

بیداری اسلامی و راهبرد شکل‌گیری امت اسلامی

بهرام اخوان کاظمی*

چکیده

پرسش پژوهش حاضر این است که چه تعاملاتی میان بیداری اسلامی و شکل‌گیری امت اسلامی وجود دارد؟ لذا با استفاده از روش توصیفی - تحلیل اسنادی و با ارائه مستندات قرآنی و روایی و ذکر شواهدی از آراء اندیشمندان و مصلحانی همانند امام خمینی ره، سعی شده این مفروض اثبات گردد که میان بیداری اسلامی و وحدت امت اسلامی تعاملات راهبردی وجود دارد و از مؤلفه‌های اساسی تحقق همدیگر به شمار می‌آیند. نگارنده بر این باور است که یکی از مصادیق اساسی بیداری اسلامی توجه به آرمان وحدت مسلمانان و ایجاد امت اسلامی است؛ همچنان که یکی از راهکارهای اسلامی و زمینه‌ساز وحدت مسلمانان و شکل‌گیری امت اسلامی، آگاهی‌بخشی و بیدارسازی مسلمانان نسبت به آرمان‌ها، اهداف و وظائف اسلامی است. رمز اتحاد ملل مسلمان در تحقق اسلام و پایبندی واقعی مردم و زمامداران آنها به این دین حنیف نهفته است تا به دور از هر عامل تفرقه‌برانگیزی، مسیر اتحاد و همبستگی امت در پرتو مکتب توحید، هموار و مهیا گردد. البته یکی از آفات جریان بیداری اسلامی امروز، عملکرد تفرقه‌انگیز جریان‌های افراطی سلفی وهابی است که مبارزه با چنین جریانی، اولین اقدام راهبردی در جهت تحقق آرمان وحدت امت اسلامی است.

واژگان کلیدی

بیداری اسلامی، امت واحده، رسالت جهانی، قرآن، روایات.

مقدمه

جهان اسلام به‌ویژه در دو سده اخیر با امواج اسلام‌خواهی و بیداری اسلامی مواجه بوده و این جریان در کنار میل به شکل‌گیری امت واحده، همواره توسط رهبران و مصلحان جهان اسلام و جنبش‌های متعدد اسلامی

در خاورمیانه و شمال آفریقا دنبال شده است. با این وجود، تحولات اعتراضی دو ساله اخیر در این مناطق، بر ضرورت بیداری مسلمانان و اهمیت راهبردی تحقق امت اسلامی افزوده است؛ اهدافی که منابع قرآنی و روایی، به عنوان مستندات الزام آور آنها وضوح غیر قابل انکاری دارند و بسیاری از مصلحان و اندیشمندان جهان اسلام در مبارزات و تкаپوهای اندیشه‌ای و عملی خویش این اهداف مهم را همواره در سرلوحه کارنامه خویش داشته و دنبال کرده‌اند. (موثقی، ۱۳۷۱ و ۱۳۷۵)

به عنوان نمونه سید جمال‌الدین اسلامی، تشکیل حکومت واحد در دنیای اسلام را راه حل عملی رسیدن به اقتدار ملت‌های مسلمان، تجدید عظمت گذشته و تحقق دین خالص در میان امت اسلامی معرفی کرده است. البته با وجود آنکه طرح و پیشنهاد «سید» درباره تشکیل «مؤتمر اسلامی» موسوم به «انجمن ام‌القری» به اجرا در نیامد (گودرزی، ۱۳۸۲: ۱۹۴ و ۱۹۵) اما سال‌ها بعد، عبدالرحمن کواکبی متأثر از اندیشه استادش سید جمال، کتاب مهم خویش را به نام *ام‌القری* نگاشت که به صورت «یوتوپایی» یا آرمان‌گرایانه، احیای ملل اسلامی و بیداری و رهایی آنها را از انحطاط و نابسامانی‌های مختلف در وحدت مسلمانان جستجو می‌کرد. از نظر وی، مانع عمده عدم نیل به اتحاد اسلامی، چیزی جز جهل و خرافه و اختلاف عامه مسلمانان، اغراض فرمانروایان و تمایلات استبدادی آنها نبوده است. (کواکبی، ۱۳۷۸: ۲۳)

پرسش این نوشتار دایر بر این مطلب است که چه تعاملاتی میان بیداری اسلامی و شکل‌گیری امت اسلامی وجود دارد؟ بر این مبنا می‌توان این فرضیه را اختیار و اختیار کرد که «به نظر می‌رسد میان بیداری اسلامی و وحدت و تحقق امت اسلامی تعاملات راهبردی وجود دارد و هر یک لازم و ملزوم یکدیگر بوده و از مؤلفه‌های اساسی تحقق همدیگر هستند». در توضیح این فرضیه یا مدعا باید افزود که یکی از مصادیق اساسی بیداری اسلامی توجه به آرمان وحدت مسلمانان و ایجاد امت اسلامی است؛ همچنان که یکی از راهکارهای اسلامی و زمینه‌ساز وحدت مسلمانان و شکل‌گیری امت اسلامی، آگاهی‌بخشی و بیدارسازی مسلمانان نسبت به آرمان‌ها، اهداف و وظایف اسلامی است.

از آنجا که بنا به مدعای این نوشتار یکی از مصادیق اساسی بیداری اسلامی توجه به آرمان وحدت مسلمانان و ایجاد امت اسلامی است و این دو، راهبردهای مبنایی برای تحقق یکدیگرند، در ادامه پس از تبیین مفهوم بیداری اسلامی، مستندات اجمالی از منابع قرآنی و روایی در ضرورت و بایستگی تحقق وحدت امت اسلامی - به عنوان یکی از اصیل‌ترین اهداف دین مبین اسلام - ذکر می‌گردد.

تأملی در مفهوم بیداری اسلامی

در ۱۷ دسامبر سال ۲۰۱۰ در شهر «سیدی بوزید» تونس، پلیس گاری دستی غیرمجاز یک جوان ۲۶ ساله سبزی‌فروش را مصادره کرد. این دست‌فروش که محمد بوعزیزی نام داشت با احساس ناراحتی و حقارت شدید از این واقعه و به‌دلیل اعتراض بدان، به یک ساختمان دولتی محلی رفت و خود را به آتش کشید. این

واقعہ، پیش‌درآمد اعتراضات سیاسی گسترده‌ای شد که در نهایت به سقوط بن‌علی حاکم تونس انجامید. تأثیرات سریع این واقعہ به ناراضی‌های انباشت‌شده در جهان عرب دامن زد و همانند جرقه‌ای در انبار باروت عمل کرد به‌گونه‌ای که چند صبحی بعد، مبارک نیز در مصر و قذافی در لیبی هم سقوط کردند و دامنه اعتراضات و تشنجات کشورهای مختلفی چون بحرین، یمن، لیبی را کاملاً فراگرفت و البته در کشورهای دیگری چون مراکش، اردن و عربستان سعودی نیز این اعتراضات همچنان با فراز و فرودهایی ادامه دارد و سرنگونی برخی دیگر از حکام مرتجع جهان عرب دور از ذهن نیست.

در خصوص تحولات اخیر در خاورمیانه و آفریقای شمالی تحلیل‌های بسیار متفاوتی مطرح شده است؛ به‌ویژه غربی‌ها و نظام سلطه جهانی قصد دارند با اسفاده از اصطلاحات معناداری مانند «بهار عربی»^۱ و جاگذاری آن با عبارت «بیداری اسلامی»، به سترون‌سازی این قیام‌های اسلامی، از اندیشه و انگیزه‌های اسلامی پرداخته و آنها را انقلاب‌های پست‌مدرن، پراکنده، بدون رهبری و یا موج دیگری از انقلاب‌های لیبرال و دموکراتیک معرفی کنند. یا در صورت ناچاری، این تحولات را در قالب انقلاب‌های پسااسلامی تعریف کنند که توسط مسلمانان پراگماتیست طرفدار دموکراسی و حقوق بشر انجام شده و معترضان را کسانی معرفی کنند که داعیه اسلام‌گرایی سیاسی ندارند. این در حالی است که بدون هیچ شکی تحولات حاضر، از انقلاب شکوهمند اسلامی ۱۳۵۷ در ایران متأثر بوده و هست و پژوهشگران متعددی با استدلال، این امر و تأثیر نرم‌فزاری را اثبات کرده‌اند. (حاذق نیکرو، ۱۳۹۱: ۷۷ - ۴۱؛ امرایی، ۱۳۸۳: ۲۶۷ - ۲۵۰) همان‌گونه که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مکرراً بر این مطلب این‌گونه تصریح کرده‌اند:

در جهان اسلام، بیداری اسلامی، فرو ریختن ترس ملت‌ها از ابرقدرت‌ها و احساس هویت توده‌های مسلمان از آثار گرانقدر انقلاب اسلامی و پایداری ملت ایران است. (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۵/۲۵)

احساس هویت و عزت اسلامی - که امروز به برکت پیروزی انقلاب اسلامی در جهان اسلام نمودار شده است - یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت ملت ایران است که باید در مناسبات بین‌المللی حتماً به آن توجه شود. (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۴/۱۲/۲۴)

اما بیداری اسلامی به چه معناست؟ باید گفت که «اصول‌گرایی اسلامی» که گاه با واژه‌هایی چون بیداری اسلامی، رنسانس اسلامی و تجدید حیات دینی هم از آن یاد می‌شود، بازگشت به بنیان‌ها و ریشه‌های اسلامی است تا از این طریق، مسلمانان، مجد و عظمت گذشته خود را باز یابند. این نهضت‌ها در واقع پاسخی به عقب‌ماندگی‌های چند قرن اخیر جوامع اسلامی و تحقیرهایی است که نسبت به آنها صورت گرفته است. (حسینی‌فر، ۱۳۸۸: ۲۹۶) بدین ترتیب موضوع بیداری اسلامی موضوعی تازه نیست؛ همان‌گونه که این مفهوم در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای نیز مفهومی جدید محسوب نمی‌شود و ماحصل تحولات

1. Spring Arabic.

اخیر نمی‌باشد و معظم له پیش از این در سخنان خود بارها این واژه را تکرار کرده‌اند. بیداری اسلامی به صورت موجز و مختصر در نگاه مقام معظم رهبری عبارت است از:

ایجاد یک حالت برانگیختگی و آگاهی‌ای در امت اسلامی که به تحولات و دگرگونی‌های بیرونی منجر می‌شود. ... سخن از بیداری اسلامی سخن از یک مفهوم نامشخص و مبهم و قابل تأویل و تفسیر نیست؛ بلکه این مفهوم به معنای یک واقعیت خارجی مشهود و محسوس است که فضا را انباشته و قیام‌ها و انقلاب‌های بزرگی را پدید آورده و مهره‌های خطرناکی از جبهه دشمن را ساقط کرده و از صحنه بیرون رانده است. (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۶/۲۶)

ایشان به کاربردن واژه‌ها و مفاهیم مناسب و جامع و اسلامی برای مفاهیمی مانند «بیداری اسلامی» و وام‌گیری نکردن از واژگان غربی در این باره را برای توضیح و تحلیل صحیح مسائل و تحولات لازم دانسته و معتقدند: «در این زمینه اگر از واژه‌های بیگانه وام گرفته شود، فضا آشفته خواهد شد، و مطلب ناگفته خواهد ماند». (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۷/۲۲) مقام معظم رهبری یکی از راهبردهای بسیار مهم سیاست خارجی جمهوری اسلامی را ایمان و هویت اسلامی و انقلابی و پایبندی به آن و تلاش در جهت برجسته و شفاف‌سازی هویت اسلامی در جهان اسلام معرفی کرده‌اند. (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵/۳/۲۹)

در مجموع می‌توان برای رخدادهای بیداری اسلامی در بسیاری از کشورهای جهان اسلام به علل و مواردی همچون شکست الگوهای غیر اسلامی، رشد اسلام‌خواهی، احساس سرخوردگی، تحقیر تاریخی ملل اسلامی و تلاش آنها برای بازگشت به هویت اسلامی، تلاش شخصیت‌های بزرگ فکری و جهادی و جریان‌ساز اسلامی؛ و مواردی از جمله وقوع انقلاب اسلامی ایران، واکنش به استعمارگری و حضور قدرتهای غربی در منطقه، بحران فلسطین و وجود حکومت‌های فاسد، غرب‌گرا و غیر مردمی اشاره کرد.

رسالت جهانی و امت واحده در قرآن و سیره نبوی

از دیدگاه قرآن کریم، انسان‌ها در آفرینش از یک گوهرند و وحدت دارند؛ یعنی همه از حضرت آدم به وجود آمدند، ولی به دلایلی از جمله: امتحان بشر و ظهور استعدادها و ظرفیت‌های او و نیز ظلم، حسد، نزاع دنیاطلبانه، عدم موفقیت در ابتلا و آزمایش الهی، فرقه‌گرایی، تفرقه‌افکنی‌های دشمنان و بدخواهان، وسوسه‌ها و القائات شیطانی، مسخره کردن متقابل افراد و گروه‌ها، دادن لقب‌های زشت به یکدیگر و سوء ظن به یکدیگر و غیبت، این وحدت فرو پاشیده است. قرآن کریم برای تحقق دوباره امت واحد، راهکارهایی مانند: ایجاد اخوت، مودت، اُلفت و رأفت بین مسلمانان، رحمت، عفو، فضل، صفح، اصلاح و تعارف^۱ مسلمانان در قبال همدیگر، احترام به

۱. فضل در لغت به معنای زیاده و نیز به معنای خیر می‌آید و افضال یعنی احسان و نیکی کردن. قرآن کریم در تشبیه مسلمانان به فضل و نیکی کردن به یکدیگر می‌فرماید: «و لا تتسو الفضل بینکم؛ و بزرگواری را در بین خودتان فراموش نکنید». (بقره / ۲۳۷) صفح به معنای «کنار و جانب چیزی» یا «عدول از چیزی به طرف یا جانب دیگری» و «گذشت کردن

سایر ادیان و پیامبران الهی و رد انحصارطلبی گروهی خاص در مورد خداوند^۱ را پیشنهاد می‌دهد. در توضیح بیشتر باید افزود که اسلام آیین فطرت است؛ از این‌رو، طبیعت تکامل‌پذیر انسانی ایجاب می‌کند که بالاخره روزی تمام بشریت به این آیین رو آورند. پیامبر ﷺ نیز عهده‌دار این رسالت بود تا همگان را به چنین دین جهان‌شمولی فراخواند و آنها را در امت واحدی گرد آورد. در واقع، آرمان نهایی اسلام رسیدن به امت واحد^۲ بشری و از میان رفتن مرزهای جغرافیایی و قید و بندهای مرزی و به وجود آمدن کشور واحد جهانی، تحت حاکمیت قانون واحد الهی است. هدف رسالت ایشان هم، سرعت بخشیدن به سیر حرکت تکاملی جامعه بشری برای رسیدن به این مرحله آرمانی و مطلوب نهایی بوده است.

پیامبر اکرم ﷺ در بسیاری از نامه‌ها، و از جمله در نامه خود به کسری، شخصیت و رسالتش را چنین معرفی می‌کند: «من پیامبر خدایم که به سوی همه مردم جهان فرستاده شده‌ام تا هر کسی را که زنده است هشدار دهم.» (احمدی، ۱۳۷۹ ق: ۹۰)

رویکرد جهان‌شمولانه و جهان‌وطنانه سیاست خارجی نبوی، علاوه بر سیره عملی پیامبر ﷺ، دارای مستندات قرآنی بسیار است؛ از جمله در تعالیم اسلامی از کره زمین، به «بیت» و خانه تعبیر شده و انسان به طور مطلق از هر نژاد و رنگ و زبان و ملیت و طبقه‌ای مالک این خانه به حساب آمده است. انسان در تفکر قرآنی، از هر نژاد و جنسیت و طبقه‌ای، نماینده و خلیفه خداوند در زمین است: «اوست خدایی که شما را در زمین جانشین (خلیفه) قرار داد».^۳

و عفو آمده است. قرآن کریم مسلمانان را به صفح، گذشت و عفو یکدیگر ترغیب کرده است: «و لیعفوا و لیصفحوا أ لا تحبون أن یغفر الله لکم؛ و باید عفو کنند و درگذرند آیا دوست ندارید که خداوند از شما درگذرد». (نور / ۲۲) همچنین صلح به معنای مصالحه کردن، صلح کردن، اصلاح کردن و آشتی دادن آمده است. قرآن از مسلمانان می‌خواهد که در صورت نزاع بین عده‌ای از مسلمانان، میان آنان صلح و آشتی برقرار کنند: «و ان طائفتان من المؤمنین اقتتلوا فأصلحوا بینهما؛ و اگر دو طایفه از مؤمنان با هم درافتند میان آنان را سازش دهید». (حجرات / ۹) در آیه دیگر آمده است: «فاتقوا الله و أصلحوا ذات بینکم؛ پس از خداوند پروا کنید و بین خودتان آشتی کنید». (انفال / ۱) افزون بر این، تعارف، برگرفته از کلمه عرف است که در لغت به معنای «اطلاع بر چیزی» و نیز «شناختن یکدیگر» است. قرآن کریم ضمن توجه دادن مؤمنان به اینکه همه از مرد و زنی زاده شده‌اند و مثل هم هستند، به آنان هشدار می‌دهد که اگر قبیله قبیله‌اند به این علت است که همدیگر را بشناسند و گرنه این امر مایه برتری گروهی بر گروه دیگر نیست. (حجرات / ۱۳) ر.ک: پیغان، ۱۳۸۰، ۲۲۴ - ۲۰۹.

۱. برای مشاهده شواهد قرآنی این مطالب، ر.ک: پیغان، ۱۳۸۰، ۲۰۹.

۲. در قرآن «امت واحد» در ۹ آیه آمده و واژه «امت» در چند معنا به کار رفته است:

- ملتی که دینی واحد دارند: «ان هذه أمتکم أمة واحدة». (انبیاء / ۹۲)

- امت به معنای جماعت: «و من خلقنا أمة یهدون بالحق و به یعدلون». (اعراف / ۱۸۱)

- امت به معنای چند سال: «و لئن أخرنا عنهم العذاب الی أمة معدودة». (هود / ۸)

- امامی که پیشوا و مقتدای سایرین است: «ان ابراهیم کان أمة قانتا لله». (نحل / ۱۲۰)

۳. «و هو الذي جعلکم خلائف فی الارض». (انعام / ۱۶۵)

این مضمون دست کم در سه آیه دیگر، در سوره‌های یونس (یونس / ۱۴ و ۷۳) و فاطر (فاطر / ۳۹) آمده است که رسالت کلی همه افراد را در این زیستگاه که زمین نام دارد، تبیین می‌کند. پیامبران و رسولان الهی نیز راهنمایان برای همه انسان‌ها هستند و تعلیم و تربیت و نظام‌بخشی به زیست فردی و گروهی انسان‌ها را بر عهده دارند تا مدیران جامعه بشری در همه ابعاد باشند.

همچنین آیات الهی بیانگر آن است که رسول حق و نماینده و مدیر منصوب الهی در کل پهنه زمین، و نه در بخش خاص یا نژادی ویژه مأموریت می‌یابد.^۱ از سویی درباره پیامبر اسلام، این رسالت جهانی و فراگیر با صراحتی بیشتر مطرح گردیده است^۲ و بنا به آیات الهی هدف اسلام همانند سایر ادیان بزرگ الهی، اصلاح کلیت جامعه انسانی در فراخنای گیتی و بدون توجه به حدود جغرافیایی و مرزهای ساختگی است؛ به همین سبب، این ادیان و از جمله اسلام همه حکومت و دولت‌ها را ورای مرزها و نژادهایشان به یک دین و دولت واحد و مرکزییتی یگانه فرامی‌خواند؛ همچنان که در آغاز رسالت اسلام، پیامبر به حکام ایران، مصر، حبشه، یمن، روم و ... نامه می‌نویسد و آنان را به یگانگی و تن‌دادن به مدیریت واحد در جامعه انسانی دعوت می‌کند. برای تبیین این اصل محوری، واژه‌های «الانسان» و «الناس» در قرآن بارها به کار رفته است. نزدیک به ۲۴۰ بار کلمه «الناس» در قرآن آمده است و نزدیک به ۶۵ بار کلمه «الانسان» تکرار شده است که واژه‌ای عام برای همه افراد انسانی می‌باشد؛ در بسیاری از موارد عمومیت و کلیت خطاب‌ها بسیار روشن است. مانند: «بگو ای مردم! من برای شما فقط هشدار دهنده‌ای آشکارم» یا «من تو را پیشوای مردمان قرار دادم»^۳

در این خطاب‌های قرآنی، هدایت الهی و آموزش‌های پیامبران برای همه انسان‌ها ضروری است و تفاوت‌ها و امتیازهای موهوم که ممکن است یگانگی و یکپارچگی جامعه انسانی را بگسلد، باطل و پوچ معرفی گشته است. و به این‌گونه نگرش قرآنی به انسان و رهبران جامعه انسانی، فراگیر و جهانی است که هیچ مرز و مانعی را در جهت اهداف بلند جهان‌شمول و جهان‌وطنانه خویش نمی‌شناسد.^۴ ضمن آنکه وحدت اسلامی در غالب تشکیل امت واحد نیز بر توانایی و مقاومت جامعه در مواجهه با دشواری‌ها و بحران‌ها و برخورد با دشمنان خارجی می‌افزاید و قرآن کریم بر این نکته تأکید دارد که وحدت، مایه استواری و نیرومندی است و اختلاف موجب شکست و سستی است.^۵

با نگاهی گذرا به سیره سیاسی پیامبر ﷺ نیز به خوبی مشخص می‌شود که بی‌گمان ملت‌سازی در

۱. برای نمونه ر.ک: بقره / ۳۰؛ ص / ۲۶.

۲. برای نمونه ر.ک: فرقان / ۱؛ اعراف / ۱۵۸؛ سبا / ۲۸.

۳. «قل یا ایها الناس انما انا لکم نذیر مبین»، (حج / ۴۹) «انی جاعلک للناس اماماً». (بقره / ۱۲۴)

۴. برای مشاهده بیشتر شواهد قرآنی دال بر رسالت جهانی پیامبر اسلام، ر.ک: امینی، ۱۳۶۴: ۳۰ و ۳۱.

۵. «و لاتنازعوا فتفشلوا و تذهب ربیعکم و اصبروا ان الله مع الصابین؛ و اختلاف کلمه نداشته باشید که بددل خواهید شد و شأن و شوکتان بر باد می‌رود و شکیبایی کنید که خداوند با شکیبایان است». (انفال / ۴۶)

فلسفه سیاسی ایشان بسیار عمیق‌تر از مفهوم ملت در اندیشه سیاسی جدید است؛ به همین دلیل تعبیر «امت»، اساس تکوین نظام اسلامی در مدینه است. به عکس دوره مکی، برنامه‌ها، شیوه عمل، سیره و روش‌های تبلیغی و اجتماعی پیامبر ﷺ و نیز قواعد و احکام نازل شده در قالب سوره‌های مدنی، آشکارا از هدف وی در تأسیس یک نظام اجتماعی در عصر مدنی حکایت دارد. ریشه و بنیاد این نظام را همان اصل محوری، یعنی توحید شکل می‌داد؛ محتوای نظام را نیز قوانین و احکام دین یا شریعت اسلامی، و غایت تکاپو و کنش آن، حرکت به سوی کمال انسانی برای وصول به مطلوب در نشأه بعدی یعنی رستاخیز بشری بود. (زرگری نژاد، ۱۳۷۸: ۳۱۹)

به همین دلیل، خطاب‌های قرآن در دو مرحله دوران مکه و عصر مدینه، کاملاً متمایز و متفاوت است. خطاب‌های دوران مدینه به این دلیل که ناظر به تأسیس دولت اسلامی است، به صورت «یا ایها الذین آمنوا» و امثال آن آمده است. این خطاب‌ها به جماعت‌های خاص مؤمنان است که «امت» مشخص هستند و بر مبنای امت، دولت تأسیس کرده‌اند. بدین ترتیب بر مبنای هویت جدید، عصبيت مبتنی بر خون و نسب به عصبيت مبتنی بر عقیده و ایمان تغییر یافت و الگوی حیات قبیله دگرگون گردید. از این پس امت اسلامی تنها یک جماعت دینی نبوده بلکه جماعتی سیاسی و اجتماعی تلقی می‌شد.

بدین ترتیب، هویت در مدینه‌النبی یا به عبارت دیگر مبنای دولت اسلامی، ترجیحاً اعتقادی بود، نه سیاسی، اقلیمی یا قومی؛ و مهم‌ترین هدف حکومت، دفاع از عقیده اسلامی و حفظ آن بوده است. در این نظام فراملی و فرادولتی، مجموعه‌ای از افراد درون جامعه اسلامی وجود داشتند که همگی با اعتقاد به دین اسلام از اعضای امت اسلامی بوده و جامعه همبسته‌ای را تشکیل می‌دادند. تشکیلات داخلی امت اسلامی نیز براساس ایمان دینی مشترک استوار بود. بافت جامعه، نخست از طریق پذیرش و اطاعت شریعت و سپس هرم قدرت مذهبی معین می‌گردید. در رأس این جامعه، پیامبر ﷺ به عنوان رئیس دولت، رهبر سیاسی و دینی مدینه بود. از این پس مهاجران و انصار و تازه‌مسلمانان دیگری که با هویت‌های متفاوتی به مدینه‌النبی می‌آمدند بر سازه‌های هویتی مشترکی قرار داشتند که پیامبر اسلام تحت عنوان امت اسلامی از آن یاد می‌کرد. (زهیری، ۱۳۸۵: ۱۶۴ و ۱۶۵)

ایجاد امت واحده در سیره علوی و مهدوی

در آموزه‌های اسلامی، تحقق وحدت امت و ایجاد امت واحده تنها در پرتو حکومت رهبری الهی قابل تحقق است و یکی از اهداف تأسیس دولت نیز دستیابی به چنین هدفی است. همچنان که حکومت از دید امام علی علیه السلام نیز نقش مستقیم و مؤثری در وحدت و یکپارچگی امت دارد؛ زیرا امتی که با داشتن هدف الهی، در مسیر تکامل گام برمی‌دارد، به ناچار باید به رهبری تمسک جوید که تبلوری از آرمان الهی و مورد قبول و پذیرش و مقتدا و دلیل تحرک و پویایی باشد. امام در خطبه ۱۴۶ نهج البلاغه با اشاره به سیاستی که زمامدار برای

حفظ نظام باید به کار گیرد، لزوم حکومت رهبری الهی و نقش آن در وحدت امت را مانند رشته‌ای می‌داند که مهره‌ها را گرد آورده و به یکدیگر پیوند می‌دهد. (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۱: ۱۹۹ - ۱۹۷)

امام علیه السلام با این تشبیه ساده خاطر نشان می‌سازد که آرمان عالی وحدت امت، بستگی به وجود قییم و سرپرستی دارد تا به دور از هر عامل تفرقه برانگیزی، جاده اتحاد و همبستگی امت را در پرتو مکتب توحید هموار سازد. (رهبر، ۱۳۶۴: ۴۸) همچنین در ادامه همین خطبه، امام علی علیه السلام اقتدار ملی و دینی را با همسویی و تجمیع امت اسلامی پیوند می‌زند و می‌فرماید:

عرب امروز، گرچه از نظر تعداد اندک، اما با نعمت اسلام فراوانند و با اتحاد و هماهنگی، عزیز و قدرتمندند. (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۱: ۱۹۹ - ۱۹۷)

امام علیه السلام در برخی فرازهای نهج‌البلاغه مانند خطبه «قاصعه»،^۱ اتحاد امت اسلامی را از بُعد جامعه‌شناختی و تاریخی مورد بحث قرار داده و اهمیت آن را تبیین می‌کند. امام علیه السلام در این خطبه طولانی یکی از علل اساسی پیروزی، عزت‌مندی، امنیت، تنعم و رفاه ملت‌ها را در اتحاد، دوستی و همدلی و همیاری آنها برمی‌شمارد و اتحاد را مایه استقامت و بردباری در برابر ناملایمات به شمار می‌آورد و از تفرقه، دشمنی و کینه‌توزی به عنوان شکست و خواری ملل مزبور یاد می‌نماید. (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۱: ۲۸۹ - ۲۸۷)

امام علی علیه السلام ضمن تبیین جامعه پرتفرقه جاهلی قبل از اسلام و بیان تیره‌روزی‌های و مصائب شدید آنها، به ره‌آورد بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله برای این جامعه که اتحاد و وحدت بوده اشاره نموده و این وحدت را منشأ سایر برکات برای جامعه اسلامی و عزت و اقتدار آن به شمار می‌آورند و درباره این جامعه می‌فرمایند:

حال به نعمت‌های بزرگ الهی که به هنگامه بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بر آنان فروریخت بنگرید که چگونه اطاعت آنان را با دین خود پیوند داد و با دعوتش آنها را به وحدت رساند. چگونه نعمت‌های الهی بال‌های کرامت خود را بر آنان گستراند و جویبارهای آسایش و رفاه بر ایشان روان ساخت و تمام برکات آیین حق، آنها را در بر گرفت. در میان نعمت‌ها غرق گشتند و در خرمی زندگانی شادمان شدند. امور اجتماعی آنان در سایه قدرت حکومت اسلام استوار شد و در پرتو عزتی پایدار آرام گرفتند و به حکومتی پایدار رسیدند. آنگاه آنان حاکم و زمامدار جهان شدند و سلاطین روی زمین گردیدند و فرمانروای کسانی شدند که در گذشته حاکم بودند؛ و قوانین الهی را بر کسانی اجرا می‌کردند که مجریان احکام بودند و در گذشته، کسی قدرت درهم شکستن نیروی آنان را نداشت و هیچ کس خیال مبارزه با آنان را در سر نمی‌پروراند. (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۱، ۲۹۱ - ۲۸۹)

بدین ترتیب با استناد به خطبه قاصعه می‌توان برخی دستاوردها را مانند: عزت، اقتدار و شکوه در جامعه جهانی؛ کرامت و فره‌مندی در جامعه داخلی؛ دفع دشمنان؛ تأمین عافیت، سلامتی و امنیت؛ فراهم آمدن

۱. این خطبه را «قاصعه» یعنی تحقیر کننده نامیدند که در آن، امام علی علیه السلام ارزش‌های جاهلی را کوچک و خوار شمرد و از طولانی‌ترین سخنرانی‌های امام است که در سال ۴۰ هجری در حالی که سوار بر اسب بود ایراد فرمود.

نعمت و دستیابی به رفاه اجتماعی، از نتایج وحدت و اتحاد امت اسلامی به شمار آورد. (سجادی، ۱۳۷۹: ۹۵)

شایان ذکر است که با تأسی به آموزه‌های علوی پیش‌گفته، حضرت مهدی علیه السلام نیز به عنوان مظهر انسان کامل، عالی‌ترین و عادلانه‌ترین نوع مدیریت و شامل‌ترین و همگراترین آنها را عرضه می‌کند. پیشرفت‌ها در عصر ظهور، معلول عواملی است که یکی از آنها وجود رهبری معصوم، پاک و منزّه از هر نوع عیب و نقص (از قبیل احساسات حیوانی، خشم و غضب بی‌جا، شهوت، کبر و غرور و خودخواهی) است. او فقط وابسته به خداست و برخلاف نظام‌های سیاسی ملی و سلطه‌طلب موجود، به همه ملت‌ها، جمعیت‌ها و نژادها، با چشم مهربانی و برابری نگاه می‌کند و فرقی بین اقوام، نژادها و ملیت‌ها نمی‌گذارد و به همه با دید یکسان می‌نگرد. بدین ترتیب، دین‌سالاری سپهری مهدوی در تمام جهات با حکومت‌های موجود در عالم فرق دارد. حاکم، نوع حکومت، قوانین و نظامات جاری در آن، هیچ شباهتی با حکومت‌های موجود در عالم ندارد؛ نوع حکومتش، الهی و بر مبنای ایمان به خدای یگانه و توحید خالص است و هدفش متحد کردن جماعت‌ها و ملت‌ها، برداشتن دیوارهای امتیازات و اعتبارات بیهوده، برقرار کردن توحید کلمه، ایجاد همکاری و ارتباط بین مردم است. حاکم آن نیز امام معصوم علیه السلام بوده که احیا کننده شریعت نبوی و مجری قوانین اسلامی و دستورات الهی است.

اسلام می‌خواهد تمام اختلافات و جدایی‌ها را که به نام‌های گوناگون پدید آمده، به وسیله عقیده توحیدی، از میان بردارد. تمامی اختلافات نژادی، طبقاتی، ملی، وطنی، جغرافیایی، مسلکی، حزبی و زبانی باید از میان برود و سبب امتیاز، افتخار و اعتبار نباشد و حتی در آن حکومت، اختلاف دینی هم باید کنار گذاشته شود و همه، در زیر پرچم اسلام تسلیم فرمان خدا باشند. این همان حکومت واحد جهانی است که کره زمین با یک حاکم، یک نوع حکومت و با یک شیوه و روش عادلانه اداره می‌شود. (طاهری، ۱۳۸۲: ۱۴۲)

در جامعه مهدوی، رهبری آسمانی نقش اساسی ایفا کرده و مهربانانه‌تر از اولیاء انسان‌ها، هدایت کشتی طوفان‌زده بشری را بر عهده خواهد گرفت؛ همچنان که در روایات آمده است: «مهدی موعود از پدران و مادران بر امت خود مهربان‌تر است». (سلیمان، ۱۳۷۶: ۱۲۹) انسان کامل و معصومی که به گفته خویش: لحظه‌ای از یاد شهروندان این امت واحده غافل نیست^۱ (طبرسی، ۱۴۰۳ق: ۲ / ۴۹۷) و همواره بلاگردان آنها می‌باشد.^۲ (طوسی، ۱۳۹۸ ق: ۲۴۶)

با پیروی از فرامین الهی و اقتدا به سیره نبوی و علوی، حکومت دین‌سالار مهدوی نه تنها مردمی، بلکه جهانی و در مرتبه‌ای بسیار بالاتر، «سپهری» است؛ یعنی همگرایی آن، تمام هستی و سپهر آفرینش را در بر گرفته و در این جغرافیای گسترده، همه جمادات، نباتات، حیوانات و انسان‌ها را از خود - به اذن و برکت الهی -

۱. انا غیر مهملین لمراعاتکم ولاناسین لذکرکم؛ ما هرگز در رعایت و مراقبت شما کوتاهی نمی‌کنیم و یاد شما را از خاطر نمی‌بریم.

۲. و بی يدفع الله البلاء عن اهلی و شیعتی؛ خداوند به وسیله من بلاها را از شیعیان و خاندانم دفع می‌کند.

مُتَفَع می‌سازد. به عنوان نمونه و بنا به روایات: «زمین در عصر مهدوی با لطف الهی از هرگونه جور و ظلمی تطهیر می‌شود و با نور الهی منور و تابان می‌گردد». (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۵۲ / ۳۲۱)

پیامبر اکرم ﷺ در فرازی زیبا، خشنودی کلیه موجودات انسانی و غیرانسانی را از حکومت جهانی حضرت مهدی با عبارت «یرضی عنه ساکن الارض و السماء» بیان فرموده‌اند و در بیانی دیگر، حکومت مزبور را مایه رفاه و فرح و شادمانی کلیه موجودات به شمار آورده و می‌فرمایند:

ساکنان آسمان و مردم زمین، پرندگان، درندگان و ماهیان دریا، همه در سایه لطف و حکومت او شادمان و فرحناک هستند. (صافی گلپایگانی، بی تا: ۴۷۲)

با تأملی کوتاه در روایات مختص به عصر ظهور، به خوبی فهمیده می‌شود که در عصر مهدوی نه تنها امت واحده مسلمانان و کلیه ایناء گیتی محقق می‌گردد بلکه فضای زیستی و موجودات ساکن در این قلمرو، به عنوان یک کلیت همبسته و کالبد واحد، در نهایت کمال از مواهب حکومت حضرت مهدی ﷺ برخوردار گشته و طعم آسایش، آرامش و حیات طیبه مبتنی بر عدالت را خواهند چشید.

وحدت امت اسلامی و بیداری اسلامی در اندیشه امام خمینی ﷺ

همان‌طور که گفته شد امروزه جهان و عالم اسلامی مواجه با خیزش‌ها و امواج بیداری علیه حکام خود فروخته و قدرت‌های سرمایه‌داری و مستکبر است. امام خمینی ﷺ از اوان مبارزات اسلامی به وضوح و با یقین کامل، چنین رستاخیزی از بیداری و بازگشت به هویت انسانی و اسلامی را چه در جهان و چه در کشورهای اسلامی پیش‌بینی کرده بود و با قاطعیت از تحقق محتوم آن به خواست الهی سخن رانده بود. در دوران مبارزه و پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز، امام ﷺ بر مبنای نگرش جهان‌شمول دیانت مبین اسلام، بیداری اسلامی را نه تنها در محدوده ایران و جهان اسلامی، بلکه در فراخنای جهان دنبال می‌کرد و مسئله دفاع و حمایت از محرومان و مستضعفان و مبارزان را در ابعاد جهانی می‌دید و آن را از وظایف مسلمانان و جمهوری اسلامی و از اصول سیاست خارجی به شمار می‌آورد. (امام خمینی، ۱۳۸۶: ۲۱ / ۹۱)

ایشان معتقد بودند راهی که انتخاب کرده‌اند «آن روز به کمال می‌رسد که مستضعفین جهان از زیر بار مستکبرین خارج بشوند». (امام خمینی، ۱۳۶۹: ۱۵ / ۲۵۱) به عقیده امام ﷺ، امروز همه مصیبت و عزای آمریکا و شوروی و شرق و غرب در این است که نه تنها ملت ایران از تحت‌الحمایگی آنان خارج شده است، که دیگران را هم به خروج از سلطه جباران دعوت می‌کند. (امام خمینی، ۱۳۸۶: ۲۱ / ۹۱) امام در این زمینه تا آنجا پیش می‌رفت که تشکیل جبهه قدرتمند اسلامی - انسانی را برای سروری پابرهنگان جهان توصیه می‌کرد و با صراحت اعلام می‌نمود که:

جمهوری اسلامی ایران برای همیشه حامی و پناهگاه مسلمانان آزاده جهان است و کشور ایران

به عنوان یک دژ نظامی و آسیب‌ناپذیر، نیاز سربازان اسلام را تأمین و آنان را به مبانی عقیدتی و تربیتی اسلام و همچنین به اصول و روش‌های مبارزه علیه نظام‌های کفر و شرک آشنا خواهد ساخت. (امام خمینی، ۱۳۸۶: ۲۱ / ۹۲ و ۹۳)

امام علیه السلام، نهضت‌های آزادی‌بخش را به عنوان مصادیق بارز مستضعفان جهان می‌دانست و اعلان حمایت آشکار و همه‌جانبه از آنها تا ریشه‌کن شدن کفر و رسیدن این جنبش‌ها به حقوق حقه خود را به عنوان سیاست اصولی نظام جمهوری اسلامی مطرح می‌کرد. (امام خمینی، ۱۳۶۹: ۱۴ / ۱۹۱) از نظر ایشان، «ملت‌های مستضعف در هر جای جهان رو به بیداری هستند و دیگر حرف‌های کهنه و بی‌ارزش سابق و ارباب‌ها نمی‌پذیرند». (همان: ۱۹ / ۲۹۰) در هر صورت، روند بیداری جهانی و اسلامی امروز، به خوبی نشانگر روشن‌اندیشی، دقت نظر و قوت آینده‌نگری دقیق امام در این زمینه است.

همچنین راهبرد وحدت امت اسلامی نیز در اندیشه امام به وفور یافت می‌شود و می‌توان آن را از اهداف نظام سیاسی ایشان دانست. امام، حفظ ایمان و وحدت کلمه را مایه حفظ نهضت اسلامی می‌دانستند و اذعان می‌داشتند که ما هرچه داریم از این ایمان و وحدت کلمه است. (همان: ۶ / ۳۴۷) ایشان، کراراً تذکر می‌دادند که دولت و ملت جمهوری اسلامی، طالب اخوت ایمانی با مسلمانان جهان و منطقه و خواهان زندگی مسالمت‌آمیز با همه کشورهای عالم است و امروز نیز که تنها قدرت منطقه است، همان مطلب را تکرار می‌کند و صلاح مسلمانان را در وحدت مقابل جهان‌خواران و سلطه‌جویان می‌داند و نفاق و تفرقه را همان نحو که قرآن کریم فرموده است موجب شکست و هلاکت به شمار می‌آورد. (همان: ۱۷ / ۴۸۳)

در وصیتنامه سیاسی - الهی امام نیز به اهمیت وحدت اسلامی به خوبی اشاره شده و از علمای اعلام و خطبای کشورهای اسلامی خواسته شده که ملت‌ها را به وحدت دعوت کنند و از نژادپرستی که مخالف دستور اسلام است بپرهیزند؛ همچنین با برادران ایمانی خود در هر کشوری و با هر نژادی که هستند دست برادری دهند که اسلام بزرگ آنان را برادر خوانده است و اگر این برادری و برابری ایمانی با همت دولت‌ها و ملت‌ها و با تأیید خداوند متعال روزی تحقق یابد، بزرگ‌ترین قدرت جهانی توسط مسلمین تشکیل خواهد گردید. (همان: ۲۱ / ۴۲۸)

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم به عنوان کلان‌ترین و مهم‌ترین قانون کشور که برآمده از گفتمان انقلابی و اسلامی معمار آن - امام خمینی علیه السلام - است، ضرورت حمایت از جنبش‌های بیداری‌بخش مسلمانان و دفاع از منافع آنان و تحقق امت اسلامی، از مقولاتی است که به‌نحو چشمگیری لحاظ شده است. از جمله می‌توان به این اصول اشاره داشت که به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم به این دو راهبرد مهم پرداخته‌اند: اصل ۱۵۲: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران براساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است».

اصل ۱۵۴: «جمهوری اسلامی ایران، سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم می‌شناسد، بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند».

اصل ۱۱: «به حکم آیه کریمه «ان هذه امتکم امة واحدة و انا ربکم فاعبدون» همه مسلمانان یک امتند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است، سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد».

بنا به اصول مزبور، و در موضوع ضرورت تحقق امت واحده اسلامی و دفاع از جنبش‌های بیداری‌بخش اسلامی، در دیپلماسی و سیاست خارجی نظام جمهوری اسلامی ایران، راهبردهای اساسی زیر الزاماً باید مدنظر قرار گرفته و عملی شوند:

۱. نفی سلطه‌جویی؛ ۲. نفی سلطه‌پذیری؛ ۳. حفظ استقلال همه‌جانبه و جلوگیری از نفوذ اجانب؛ ۴. تلاش در جهت ائتلاف و اتحاد ملل مسلمان و وحدت جهان اسلام و دفاع از حقوق مسلمانان عالم؛ ۵. ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی و طرد نظام سلطه در جهان و حمایت از مبارزات حق طلبانه مستضعفان؛ ۶. دفاع از حقوق همه مسلمانان گیتی؛ ۷. تلاش در جهت تحقق آرمان سعادت کلیه انسان‌های جامعه بشری؛ ۸. به رسمیت شناختن استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل به عنوان حقوق همه مردم عالم؛ ۹. خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملل دیگر؛ ۱۱. تقدم و ترجیح روابط با کشورهای اسلامی بر کشورهای غیراسلامی؛ ۱۲. عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر؛ ۱۳. روابط صلح‌آمیز و حسنه متقابل با دُول غیر محارب.

بدیهی است که کلیه کشورهای جهان اسلام می‌توانند با تأسی به جمهوری اسلامی ایران از این خط مشی‌های راهبردی در جهت تحقق وحدت امت اسلامی استفاده کرده و این‌الگوها را در سیاست خارجی خویش، به‌نحو هماهنگ دنبال کنند.

نتیجه

در این پژوهش، با ارائه مستندات قرآنی و روایی (نبوی، علوی و مهدوی) و ذکر شواهدی از آراء اندیشمندان و مصلحانی همانند امام خمینی علیه السلام، سعی شد این مدعا و مفروض اثبات گردد که میان بیداری اسلامی و وحدت امت اسلامی تعاملات راهبردی وجود دارد و هر یک لازم و ملزوم یکدیگر بوده و از مؤلفه‌های اساسی تحقق هم‌دیگر به شمار می‌آیند. داده‌های مورد بررسی، این مدعا را ثابت کرد و نشان داد که با توجه به رسالت جهانی اسلام، یکی از اهداف راهبردی آموزه‌های اسلامی، حرکت به سوی تحقق اتحاد اسلامی و یا امت واحده است و باید مسلمانان جهان را از این راهبرد متعالی و عزت‌بخش و احیاگرایانه، آگاه ساخت و با عوامل مخل و شکننده این هدف سترگ و آرمانی مبارزه کرد.

جهان اسلام با جمعیتی بیش از یک میلیارد نفر به منزله یک قطب دینی، جمعیتی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی بزرگ، گستره وسیعی از کره خاکی را در بر گرفته است، ولی متأسفانه با داشتن قابلیت‌های قوی برای هم‌گرایی، گرفتار عوامل متعدد در واگرایی است. (عسگری، ۱۳۸۷: ۱۷۷) خوشبختانه تحولات و رستاخیز اخیر اسلامی در بخش قابل توجهی از کشورهای مسلمان، زمینه‌های اندیشه‌ورزی و تلاش در جهت احیای جهان اسلام با حرکت به سوی اتحاد اسلامی و ایجاد امت واحده را مهیا کرده است. اما باید به صراحت اذعان کرد که بیداری اسلامی و تحقق امت واحده اسلامی تنها در پرتو حکومت الهی و اسلامی میسر و ممکن می‌گردد و رمز اتحاد ملل مسلمان، در تحقق اسلام و پایبندی واقعی - و نه صوری - مردم و زمامداران آنها به این دین حنیف نهفته است تا به دور از هر عامل تفرقه‌برانگیزی، مسیر اتحاد و همبستگی امت در پرتو مکتب توحید، هموار و مهیا گردد.

ملاحظه شد که با استناد به خطبه قاصعه امام علی علیه السلام می‌توان برخی دستاوردها مانند: عزت، اقتدار و شکوه در جامعه جهانی؛ کرامت و فرهنگ‌داری در جامعه داخلی؛ دفع دشمنان؛ تأمین عافیت، سلامتی و امنیت؛ فراهم آمدن نعمت و دستیابی به رفاه اجتماعی را از نتایج وحدت و اتحاد امت اسلامی به شمار آورد.

البته یکی از آفات جریان بیداری اسلامی امروز، عملکرد تفرقه‌انگیز جریان‌های افراطی وهابی و سلفی است که با تلاش گسترده در جهت استحاله جریان‌های بیداری اسلامی به سلفی‌گری افراطی، وحدت امت اسلامی را با خطر انشقاق روبه‌رو کرده‌اند. (سبحانی، ۱۳۸۰؛ سقاف، ۱۳۸۷) این تحركات افراطی که با حمایت دلارهای آمریکایی و نفتی عربستان و شیوخ مرتجع منطقه صورت می‌گیرد باعث بروز درگیری‌ها و منازعات مذهبی میان مسلمانان گشته و در حال تلاش برای تبدیل جریان مبارک بیداری اسلامی، به جنگ‌های مذهبی و قومی است که شیعه‌ستیزی وهابیان و درگیری‌های گروه‌های افراطی سلفی با علویان در سوریه از نمونه‌های شاخص این درگیری‌های خانمان‌سوز است. بسیار واضح است که رهبران مصلح جریان‌های اسلامی باید با این اقدامات افراطی و تفرقه‌افکنانه مقابله کنند و چنین مبارزه‌ای را اولین اقدام راهبردی خویش در جهت احیای اسلام راستین و تحقق آرمان وحت امت اسلامی قرار دهند. همچنین می‌توان برخی راهبردهای مهم و مؤثر در تشکیل امت واحده اسلامی را در حوزه‌های مختلف دینی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، چنین برشمرد:

۱. تأکید بر توحید به عنوان رمز اتحاد و پیگیری دیپلماسی توحیدی که با نگرشی جهان‌وطنانه و اصلاح‌گرایانه و با هدف تحقق امت واحده، از راهبردهای تبلیغی و روانی مناسب و صلح‌جویانه و مسالمت‌آمیز در عرصه دول اسلامی و سطوح منطقه‌ای و جهانی سود می‌جوید؛
۲. پایبندی واقعی - و نه صوری - مردم و زمامداران ملل مسلمان به دین حنیف اسلام و تلاش برای تحقق تمام ابعاد شریعت اسلامی؛

۳. تلاش در جهت تقریب واقعی فرق اسلامی و ایجاد کرسی‌های تضارب آرا در کلیه قلمروهای دینی، حکومتی و سیاسی؛
۴. تلاش در جهت تقریب امت و ملل اسلامی با سایر ادیان یکتاپرست و تعاون با آنها با محوریت توحیدخواهی و مقابله با اشکال مختلف شرک و ستم در عرصه‌های مختلف جهانی؛
۵. دوری از هر عامل تفرقه‌برانگیز در مسیر اتحاد و همبستگی امت در پرتو مکتب توحید و مبارزه با عوامل مخل و شکننده این هدف سترگ و آرمانی؛
۶. احیای نهضت بازگشت واقعی به اسلام راستین و معرفی گسترده و عمیق مکتب حیات‌بخش اهل بیت (علیهم‌السلام) و دستاوردها و آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران به امت اسلامی و حشو، خرافه و پیرایه‌زدایی واقعی از منابع اصیل دینی و طرح و ساماندهی سازوکارهای اجتهادی تفهم و استنباط دینی و لحاظ مؤکد نقش زمان و مکان و لحاظ تغییر احکام، متناسب با تغییر موضوعات مستحده؛
۷. مبارزه با هرگونه قوم‌مداری، نژادپرستی و تقابل با گرایش‌های پان‌عربیسم، پان‌ترکیسم، پان‌ایرانیسم و هرگونه گرایش‌های افراطی ناسیونالیستی و طرد غرب‌گرایی و مکاتب و ایدئولوژی‌های انحرافی؛
۸. تأکید و تبیین اندیشه‌ها و آموزه‌های جهان‌وطنانه اسلامی و برداشتن گام‌های اولیه اتحاد اسلامی با عملیاتی کردن امت واحده اسلامی در ابعاد فرهنگی؛
۹. شناسایی نخبگان فکری، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی جهان اسلام و استفاده نهادینه از ظرفیت فکری و اجرایی آنها در مدیریت امت اسلامی؛
۱۰. بازخوانی علل اعتلا و انحطاط تاریخی تمدن اسلامی و شناسایی راهکارهای تجدید تمدن اسلامی به عنوان راهکار بیداری‌بخش و احیاگرایانه امت واحده؛
۱۱. تحقق قاعده نفی سبیل^۱ و رعایت عزتمندی مسلمین و مبارزه با هرگونه سلطه اجانب و به‌ویژه غیر مسلمانان بر جهان اسلام و طراحی مدل‌های کارآمد در مبارزه با استعمار و سلطه فرهنگی و رسانه‌ای علیه ملل مسلمان و امت اسلامی؛
۱۲. طراحی الگوها و سامانه‌های دفاعی و امنیتی مشترک و دسته‌جمعی برای دول و امت اسلامی؛
۱۳. برخورداری و طراحی خط‌مشی‌های اعتدالی و مقابله با تحجر و عملکردهای افراطی و رویارویی با خطر بسیار جدی استحاله جریان‌های بیداری اسلامی به سلفی‌گری افراطی؛
۱۴. تلاش در جهت دستیابی به سازوکارهای تحقق مردم‌سالاری اسلامی در جوامع اسلامی و مقابله با هرگونه تغلب و خودکامگی زمامداران؛

۱. اصل و یا قاعده نفی سبیل از نص آیه «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء / ۱۴۱) اخذ شده و بدین معناست که «خداوند، سبیل و طریقی برای سلطه کافران بر مؤمنان قرار نداده است». بر اساس اصل نفی سبیل، راه هر نوع نفوذ و سلطه کفار بر جوامع اسلامی در حوزه‌های مختلف سیاسی و نظامی و اقتصادی و فرهنگی باید مسدود گردد.

۱۵. تمهید سازمان و یا نهاد کارآمد بین‌المللی با شرکت انحصاری همه کشورهای اسلامی برای حل و فصل مسائل مبتلابه جهان اسلام که واجد ناکارآمدی فعلی نهادهای مشابهی مانند سازمان کنفرانس اسلامی نبوده و در عین حال بتواند با گسترش همکاری‌ها و تعاون اقتصادی کشورهای عضو، به رفع نابسامانی‌ها و محرومیت‌های اقتصادی کشورها و ملل اسلامی کمک کرده و اتحاد اقتصادی این دول را ساماندهی کند.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج‌البلاغه، ۱۳۸۱، ترجمه محمد دشتی، قم، مؤسسه انتشارات حضور.
۳. احمدی، علی بن حسینعلی، ۱۳۷۹ ق، مکاتیب الرسول، قم، المطبعة العلمیه.
۴. اخوان کاظمی، بهرام و الله کرم مشتاقی، ۱۳۹۱، «بیداری اسلامی و علل آن با تأکید بر نظرات مقام معظم رهبری»، فصلنامه مطالعات جهان اسلام (دانشگاه شاهد)، شماره اول، بهار ۹۱.
۵. اخوان کاظمی، بهرام، ۱۳۹۲ (زیر چاپ)، دیپلماسی و رفتار بین‌المللی در اسلام، تهران، انتشارات سازمان سمت.
۶. امام خمینی رحمته‌الله، سید روح‌الله، ۱۳۶۹، صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی مدظله العالی، ۲۲ جلد، تهران، سازمان مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۷. _____، ۱۳۸۶، صحیفه امام (نرم افزار)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، نسخه ۳.
۸. امرایی، حمزه، ۱۳۸۳، انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های اسلامی معاصر، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۹. امینی، ابراهیم، ۱۳۶۴، «روابط بین‌الملل و سیاست خارجی حکومت اسلامی» (۱)، مجله نور علم، شماره ۹، فروردین ۶۴.
۱۰. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، مورخ ۱۳۸۵/۳/۲۹، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری: <http://www.leader.ir>.
۱۱. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۵/۲۵، ۱۳۸۴/۱۲/۲۴، ۱۳۹۰/۶/۲۶، ۱۳۹۰/۷/۲۲، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری: <http://www.leader.ir>.
۱۲. پیغان، نعمت‌الله، ۱۳۸۰، «امت واحده؛ از همگرایی تا واگرایی»، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۱۵، پاییز ۸۰.
۱۳. حاذق نیکرو، حمید، ۱۳۹۱، «قدرت نرم افزاری انقلاب اسلامی و تأثیر آن بر بیداری اسلامی در جهان»، فصلنامه پانزده خرداد، شماره ۳۱، بهار ۹۱.
۱۴. حسینی‌فر، رضا، ۱۳۸۸، امام خمینی و بیداری اسلامی، قم، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، دفتر نشر معارف.

۱۵. رهبر، محمدتقی، ۱۳۶۴، *درس‌هایی سیاسی از نهج البلاغه*، تهران، امیرکبیر.
۱۶. زرگری‌نژاد، غلامحسین، ۱۳۷۸، *تاریخ صدر اسلام «عصر نبوت»*، تهران، سمت.
۱۷. زهیری، علی‌رضا، ۱۳۸۵، «کارویژه‌های دولت نبوی»، *مجله علوم سیاسی*، شماره ۳۵، پاییز ۸۵.
۱۸. سبحانی، جعفر، ۱۳۸۰، *وهابیت، مبانی فکری و کارنامه عملی*، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۱۹. سجادی، سید عبدالقیوم، ۱۳۷۹، «سیاست خارجی دولت اسلامی از دیدگاه امام علی علیه السلام»، *فصلنامه علوم سیاسی*، شماره ۱۱، زمستان ۷۹.
۲۰. سقاف، حسن بن علی، ۱۳۸۷، *سلفی‌گری وهابی*، ترجمه حمیدرضا آژیر، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۲۱. سلیمان، کامل، ۱۳۷۶، *روزگار رهایی (ترجمه یوم الاخلاص)*، ج ۱، ترجمه علی‌اکبر مهدی‌پور، تهران، چ سوم.
۲۲. صافی گلپایگانی، لطف‌الله، بی‌تا، *منتخب الاثر*، قم، مکتبه داوری.
۲۳. طاهری، حبیب‌الله، ۱۳۸۲، «عصر ظهور یا مدینه فاضله موعود در اسلام»، *انتظار*، شماره ۲، زمستان ۸۲.
۲۴. طبرسی، ابومنصور احمد بن علی، ۱۴۰۳ ق، *احتجاج*، بیروت، مؤسسه اعلمی، چاپ دوم.
۲۵. طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن، ۱۳۹۸ ق، *کتاب الغیبه*، تحقیق عبادالله الطهرانی و علی احمد ناصح، تهران، مکتبه نینوی الحدیثه.
۲۶. عسگری، سهراب، ۱۳۸۷، «ژئوپولیتیک جهان اسلام؛ زمینه‌های واگرایی و بسترهای همگرایی»، *فصلنامه علوم سیاسی*، شماره چهل و یکم، بهار ۸۷.
۲۷. *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، ۱۳۶۸، دبیرخانه شورای بازنگری قانون اساسی، تهران، چاپخانه مجلس شورای اسلامی.
۲۸. کواکبی، سید عبدالرحمن، ۱۳۷۸، *طبایع الاستبداد یا سرشت‌های خودکامگی*، ترجمه عبدالحسین میرزای قاجار، نقد و تصحیح محمد جواد صاحبی، ویرایش دوم، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم.
۲۹. گودرزی، فاطمه، ۱۳۸۲، *اندیشه‌های اصلاح‌گرایانه امام خمینی در مقایسه با سید جمال‌الدین اسدآبادی*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، مؤسسه چاپ و نشر عروج.
۳۰. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ ق، *بحار الانوار*، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۳۱. موثقی، سید احمد، ۱۳۷۱، *استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام*، ج ۲، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم.
۳۲. _____، ۱۳۷۵، *استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام*، جلد اول، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، چاپ دوم.